

نور و ظلمت

ویراست اول

www.mykarbala.ir

- به جهت حفظ انسجام و یکپارچگی مقاله مطالب فرعی با رنگ روشن متمایز شده است.

بخش سوم از قسمت دوم

(۲) خلافت و حکومت

مهم ترین و محوری ترین مسئله در اختلاف و درگیری میان امت اسلام بعد پیامبر و پدیدار شدن انشعابات در آخرین دین ، مسئله جانشینی و حکومت بعد ایشان است .
شیعه بر خلاف مذهب اکثریت در خصوص خلافت پیامبر اکرم به چندین اصل معتقد است که آنها را در یازده عنوان خلاصه می‌نماییم :

۱- خلافت پیامبر خدا اساسی ترین مسأله دینی است که

حیات و بقاء دین

هدایت جامعه

و توسعه اسلام

بستگی شدید به آن دارد و به هیچ وجه نباید آن را به یک عنوان و منصب سیاسی
تنزل داد و در مورد آن دچار ساده‌انگاری شد.

۲- به طور معقول و با یک نگاه ابتدایی ، جانشینی رسول الله در امر حکومت و مدیریت
امت اسلامی نیازمند صلاحیت‌های ویژه و مناسب با تمامی بایسته‌های این جایگاه مهم
است و هر فردی را هرچند از همراهان نزدیک پیامبر بوده ، نمی توان دارای تمامی
خصوصیات علمی ، اخلاقی و اجرایی لازم برای حاکم اسلامی و خلافت الهی دانست.



۳- تشخیص فرد لایق برای این منصب چند بعدی از عهده کسی ساخته است که بر همه افراد در تمامی لایه‌های معنوی و مادی وجود ایشان آگاهی داشته باشد و طبیعتاً بنی آدم خود معترف است توانایی علمی و تسلط لازم برای چنین کاری را ندارد.

۴- امام و وصی مطلق رسول گرامی می‌بایست به انتخاب و نصب الهی تعیین شود و این انتظاری عادی و وعده ای حتمی از پروردگاری آگاه و هدایتگر است .

۵- ابلاغ این مهم بر رسول گرامی واجب است و تخطی از آن نه تنها سزاوار ایشان نیست بلکه باعث صدمه به دین است که با غرض بعثت و هدایت جامعه بشری منافات دارد.

• ابلاغ مکرر و رسا از سوی پیامبر

درمورد اینکه :

آیا پیامبر چنین پیامی را ابلاغ فرمودند یا خیر؟

و یا از آنچه بیان داشتند دقیقاً چه معنایی منظورشان بود؟

و آیا این یک دستور الزام آور بود یا فقط یک ارشاد دلسوزانه؟

و آیا بعد رجوع امت به دیگری باز حکم نبی برقرار است و حقی می‌دهد؟

مخالفان شیعه شبهاتی طرح کرده و به هر شکل سعی دارند از زیر بار ولایت اهل بیت شانه خالی کنند .

البته همه این توهّمات با پاسخ های مستدلّ و از منابع مورد اعتماد خودشان دفع شده است و اکنون شیعه صدها جلد تراث گران بها در اثبات وصایت و حقانیت امیرمؤمنان و ائمه اطهار در دست دارد که هیچ انسان حق جو و منصفی به وجدان خود نمی تواند آن را ردّ نماید.



امامت اهل بیت یک پیام عادی نبوده و رسول مکرم آن را با ویژگی‌های متمایزی به مسلمین ابلاغ فرمودند که ذیلاً به آنها اشاره می‌رود:

۱. از اولین روز بعثت تا آخرین دم حیات پیامبر اکرم ادامه داشته است.
۲. هر روز و به هر مناسبت به آن اشاره می‌فرمودند.
۳. بارها و بارها و در دفعات بیشمار اعلام شده است.
۴. در مجامع و میان گروه‌های مختلف این پیام را رساندند.
۵. در شرایط و حالات مختلفی که برای شخص ایشان و مسلمانان پیش آمده بیان کردند.
۶. به شیوه‌ها و انحاء گوناگون و با فضا سازی‌های متنوع همراه بوده است.
۷. با واضح‌ترین بیان بلکه با انواع کلمات و توضیحات غیر قابل تأویل و توجیه رسیده است.
۸. به ولایت و خلافت علی بن ابی طالب و یکایک فرزندان معصوم وی تصریح فرمودند.
۹. به عنوان مقامی حکومتی و منصبی دینی که اطاعت آن واجب است دستور داده شده است.
۱۰. برای ایشان از تمامی مردم بیعت ستاندند و گواهی گرفتند.
۱۱. از طرف خداوند متعال و به دستور وحی اعلام نمودند نه از جانب خود.
۱۲. به رأی و پذیرش مردم و یا تأیید ایشان مقید نفرمودند.
۱۳. به زمانی خاص محدود نکردند و به صورت ابدی مقرر شده.
۱۴. بدون اختصاص آن به سرزمین یا ملتی و برای همه و در همه جا دستور فرمودند.
۱۵. به نحو فراگیر به گوش همه افراد جامعه اسلام رسانیدند.
۱۶. حجت را بر هیچ احدی ناتمام باقی نگذاشتند.

این را هر شخصی بدون غرض و تعصب از قرآن، روایات و تاریخ، غیر قابل انکار می‌یابد و چه بسیار محققین سنی که به آن اعتراف نموده‌اند، هر چند بر عوام ایشان نیز به جهت کثرت دلایل در جای جای منابعشان پوشیده نخواهد ماند.

• نکته :

به جرأت می‌توان گفت به هیچ دستور دینی به اندازه ولایت اهل بیت اهتمام و جود نداشته و از جهت تأکید و تکرار اولین حکم پیامبر و دین اسلام بوده است لذا انکار عالمانه این امر حتی اگر فروع دین محسوب شود، انکار ضروری دین و موجب ارتداد است.



• ابلاغ‌های غیر عادی بر ولایت

۱. ابلاغ موجودات غیر شعورمند

در نقل ، مواردی ذکر شده که حتی نباتات ، حیوانات و جمادات بر جایگاه و وصایت علی شهادت دادند و مردم عادی هم شاهد این معجزه بودند که به قطع از طرف خدا بوده، نه حتی قول پیامبر باشد. از این موارد آنقدر اتفاق افتاده که در کتب مخالفین هم ذکر شده است.

۲. شهادت ملائکه

از جمله امور خارق العاده که برای ابلاغ خلافت امیرمؤمنان در زمان پیامبر و با التفات ایشان به وقوع پیوسته ، دیده شدن ملک و یا شنیدن صدای او در قالب جسمانی آن بوده که بر ولایت و وصایت ائمه گواهی می‌داده است.

۳. ابلاغ کتب و ادیان سابق

نام و نشان امیرالمؤمنین و وصایت یازده نفر از فرزندان وی بعد پیامبر خاتم در کتب ادیان گذشته ذکر شده بود به نحوی که علمای ایشان حضرت علی را به چهره تشخیص می‌دادند و نسبت با ایشان را از نشانه‌های پیامبر آخر می‌شمردند.

۴. ابلاغ پیامبر بعد شهادت

از جمله معجزات مهم پیامبر آن بوده که بعد از شهادت و دفن در زمانی که آشوبگران در مسجد ایشان جمع شده بودند تا دین را به تاراج ببرند دست از خاک برون نمود و نهیبی بر سرکرده‌ی ایشان زد و آنها را از چنین کاری بر حذر داشت.

۶- اساساً خداوند دینی را که در ادامه مسیر خود به دست امیال حاکمانی جاهل و

دنیاپرست دچار نقصان شود و ناتمام بماند نمی‌پسندد و به عنوان دین خود امضاء نمی

کند. لذا به باور شیعه حاکم باید بی‌خطا باشد تا در پیروی او مسلمین به بالندگی

معنوی و مادی برسند.



• نبود امام باعث تحریف دین

- از جمله وظایف امام که تنها از وجود معصوم ایشان بر می آید ، آن است که :
- با ارائه تفسیر معصومانه از متون دینی و نشر آن در جامعه مانع از رواج تفسیرهای غلط و ساختگی شود .
 - با بیان واقعیت احکام دین از نوآوری در مناسک دینی یا حذف احکام الهی جلوگیری کند.
 - آثار ، ارزشها و دستورات دینی را در عمل نیز پاسبانی کند تا فرهنگ متعالی اسلام دچار تخریب یا تعطیل نشود.
- با خارج شدن امام از موضع انتفاع و عدم اثرگذاری حقیقی و کامل او در جامعه، ضرورت‌های بیان شده به انجام نمی‌رسد و این خود معنای واضحی از تحریف دین خواهد بود که تا کنون نیز گریبانگیر اسلام می‌باشد . این آسیب‌ها هرچند در مذهب اهل‌بیت کمتر اثر داشته ولی رنج‌های زیادی برای نگهداری دین بر ایشان تحمیل نموده است.

• دوران غیبت امام

- دلایل امامت مقتضی حضور امام در هر زمانی است و لطف و حکمت خداوند نیز مانع از آن است که دین را برای طاغوت‌ها رها کند. پس چگونه ما را دچار غیبت امام نموده است؟
- پاسخ :
- خداوند هیچگاه زمین را از حجت خالی نمی‌کند و میثاق خود را از بین نمی‌برد. غیبت امام مفهومی متفاوت از نبود ایشان است .
- ۱- این خود ما انسان‌ها بودیم که برای حضور امام ایجاد مانع نمودیم :
- دشمنان اهل‌بیت با ناآمن کردن فضا و ترویج دشمنی در صدد نابودی کامل ایشان برآمده بودند.
 - دوستان با افشای اسرار امامت و اندیشه و راهبرد مذهب ، در مقابل دشمنان احتیاط را رعایت نمی‌کردند.
- این اقدامات روی هم رفته باعث شد تا زمینه حضور آخرین ذخیره الهی در زمین از بین برود.



۲- دوران غیبت آزمایشی سخت برای مؤمنین است تا افراد به ظاهر دوستار اهل بیت باطن واقعی خود را بروز دهند و پیروان وفادار و مطیع و استوار هرچند اندک ، از میان ایشان باقی بمانند.

۳- این مسلمین هستند که با نداشتن درک صحیح از خود و نیازشان به امام ، حتی اگر ایشان ظاهر نیز باشد ولایت افراد نادان و ستم‌پیشه را مقدم می‌دارند و حضور امام عملاً به هدف خود نمی‌رسد.

۴- هدایت و گمراهی به دست خداست و میزان اعمال در کنترل او ، در غیبت ائمه هر که را بخواهد به نور ایشان راهنمایی کند و بر اهل‌ایمان و عمل صالح به جهت صبرشان در دین و نگهداریشان از اسرار ، اجرای چند برابر عنایت فرماید و بر هیچ کس ظلمی روانی ندارد.

گذشته از اینها امام در حال غیبت نیز واسطه فیض خداوند برای جامعه بشری است و مقام تکوینی ایشان در اداره جهان خلقت تداوم دارد. وجود ایشان هرچند پس پرده غیبت برکات فراوانی برای مؤمنان خواهد داشت که هیچگاه منقطع نشده است.

۷- پذیرش حاکم منصوب به واسطه رسول الله یک دستور دینی است :

- از طرف باری تعالی بر بندگان واجب و تخطی از آن حرام است.
- مثل هر قانون دینی دیگر در صورت اختیار خلاف آن پیگرد و عقاب دارد.

• دستور به امامت و خلافت در قرآن

قرآن کریم با آیات متعددی بر انتصابی بودن ولایت حضرت علی و فرزندان معصومش راهنمایی می‌کند که با دقت نظری ساده در آیات و همچنین رجوع به تفاسیر و روایات مخالفین می‌توان این واقعیت را به اثبات رسانید . بر خلاف باور اهل تسنن امامت یک دستور دینی می‌باشد که در قرآن نیز ذکر شده .



۸- امر ولایت حکمی بالادستی و حافظ تمامی احکام است و مخالفت با آن آسیب به اصل دین و دشمنی با آیین خاتم می باشد لذا ترک آن به خروج از دین و دشمنی با پروردگار منجر می شود نه فقط گناه عملی .

• تذکر :

افراط در جایی معنا پیدا می کند که ما از واقعیت فراتر برویم . عقیده شیعه مبنی بر خروج منکران ولایت از دین یک حقیقت است که از منابع خود ایشان به وضوح بدست می آید و عقل آن را به عنوان امری قابل قبول می شناسد.

این یک حکم الهی و آموزه دینی است که نباید آن را منکر شد هرچند بنا به مصالح از بیان آن خودداری شود؛ و بدرستی که ما در مقام عمل برخلاف گروه هایی از اهل تسنن ، سربریدن ، پوست کندن ، آتش زدن مردمان معتقد به مذهب دیگر و تجاوز به نوامیس ایشان را جایز نمی دانیم.

• اعتقاد لازم در خلافت اهل بیت

امامان شیعه دارای دو شأن ظاهری می باشند:

۱. مرجعیت علمی در تبیین آموزه های دینی به واسطه علم خدادادی

۲. حکومت و سرپرستی دینی - سیاسی - اجتماعی بر مردم مسلمان

مرجعیت علمی فرزندان رسول الله برای عامه هم قابل انکار نیست هر چند التزام عملی و اعتراف به آن نداشته باشند . اما منشأ تفرقه در مورد دوم است که مرز شیعه و اهل سنت و جماعت را به آشکاری تعیین می کند.





www.mykarbala.ir

معارف اصیل شیعه را در فضای مجازی به اشتراک بگذارید

www.mykarbala.ir

با نظرات خویش ما را در تکمیل این مجموعه یاری فرمایید

